

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۱

بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرحهای بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان

دکتر خلیل کلانتری، علیرضا خواجه شاهکوهی*

چکیده

طرحهای بهسازی روستایی از جمله طرحهای توسعه روستایی است که از سال ۱۳۶۸ توسط وزارت جهاد سازندگی سابق در برخی روستاهای کشور به اجرا گذاشته شده است. در این طرحها سعی شده است تا با انجام بررسیهای اجتماعی - اقتصادی، محیطی و کالبدی ضمن شناسایی روستاهای مرکزی، نسبت به بهسازی و سازماندهی این مراکز به شیوه‌ای مناسب جهت ارائه خدمات لازم به نواحی روستایی اطراف اقدام شود. اگرچه اجرای این گونه طرحها می‌تواند نقش مهمی در فرایند توسعه روستایی ایفا کند، اما معمولاً در اجرا با دشواریهای بسیار

* به ترتیب: استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران و کارشناس ارشد توسعه روستایی.

E.mail: khalil_kalantari@yahoo.com

مواجه می‌گردند. به همین دلیل این مقاله می‌کوشد به شناسایی این مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی در مناطق روستایی شهرستان گرگان بپردازد. برای تحقق این هدف، اطلاعات مورد نیاز از طریق دو نوع پرسشنامه (پرسشنامه روستا و پرسشنامه سرپرستان خانوارها) از ۲۳۰ نفر جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحت ویندوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای آگاهی، مشارکت و رضایت افراد با میزان مشکلات اجرایی طرح‌های بهسازی، رابطه منفی در سطح ۹۹٪ وجود دارد. تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نشان می‌دهد که ۷۶٪ از مشکلات اجرایی طرح‌های بهسازی در روستاهای مورد مطالعه به تخریب منازل و تعریض معابر، عدم مشارکت مردم، کمبود وام جهت پرداخت به واحدهای خسارت دیده، طولانی شدن زمان اجرای طرح، بی‌توجهی به نیاز روستاییان، نیمه‌تمام رها شدن کارها و مشکل مدیریت در اجرا مربوط می‌شود.

کلید واژه‌ها:

توسعه روستایی، طرح‌های بهسازی روستایی، طرح‌های فیزیکی و کالبدی.

مقدمه

تا پایان دهه ۱۹۶۰ تلاش‌های توسعه در اغلب کشورهای جهان سوم، بیشتر مبتنی بر رهیافتی کاملاً بخشی بود و بُعد فضایی توسعه چندان مورد توجه اندیشمندان و متفکران توسعه قرار نمی‌گرفت. اما نتایج این رهیافت با توجه به ماهیت عملکردی بخشی از بالا به پایین باعث "قطبی شدن" فضاها، عدم تعادل‌های منطقه‌ای، تمرکز سرمایه و امکانات در مراکز و نقاط معدود و عقب ماندگی بخش عمده‌ای از پهنه سرزمین گردید و بدین ترتیب فضاها "متروک"، "عقب مانده" و "رها شده با پتانسیل‌های بالقوه" در مقابل فضاها "توسعه یافته" و در مواردی "اشباع شده" قرار گرفت و پیوند افق بین سکونتگاهها در فضای ملی گسسته شد و سلسله مراتب سکونتگاهی از هم پاشید (ره‌ها، ۱۳۷۲). در پی این گونه نابسامانیها، که عمدتاً مبتنی بر

رهیافتهای از "بالا به پایین" بود. بسیاری از اندیشمندان ضرورت طرحریزی کانونهایی برای تسریع انتقال توسعه به مناطق عقب مانده و کاهش عدم تعادل‌های موجود در میان مناطق "توسعه یافته" و "عقب مانده" را مطرح کردند. این گونه تفکرات از نظریه مکان مرکزی^۱، ون تون^۲ که اولین بار در سال ۱۸۲۶ ارائه شد سرچشمه می‌گرفت (کلانتری، ۱۳۸۰). این الگو را بعدها کریستالر^۳، لوش^۴ و گالپین^۵ مورد نقد و بررسی قرار دادند و اصلاحات لازم را در آن اعمال کردند. کریستالر معتقد بود که مراکز مختلف نظام سکونتگاهی تنها از طریق نوع و تعداد کارکردها، محدوده بازار کالا و خدمات، میزان اشتغال و جمعیت شناخته و تبیین می‌شود (محمد رضایی نوده، ۱۳۷۴؛ Cook, 1983). لوش برخلاف کریستالر بیشتر به تولیدات اقتصادی و تخصصی برای تعیین ساختار مکانهای مرکزی پرداخت. از نظر او توسعه مکانهای مرکزی الزاماً سلسله مراتبی نیست بلکه رابطه مهمتری بین اندازه جمعیت و درجه مرکزیت مکانهای مرکزی یک ناحیه وجود دارد (اجلالی، ۱۳۷۱). گالپین و پیروانش نیز مکانهای مرکزی را از دیدگاه روستایی تجزیه و تحلیل کردند و از این طریق سلسله مراتب عملکردی را به صورت تجربی به دست آوردند (Rondinel, 1985).

در کنار تفکرات مطرح شده در خصوص ساماندهی فضایی و سلسله مراتبی نظام سکونتگاهی، عده‌ای نیز بر بهسازی ساختارهای کالبدی و فیزیکی صرف مناطق روستایی نظیر مسکن و غیره تأکید داشتند. این افراد طرحهای بهسازی روستایی را در ردیف نظام پشتیبانی برای توسعه روستایی قلمداد می‌کردند (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲)، به طوری که افرادی چون فیشر^۶ و روستون^۷ معتقد بودند که امر توسعه به واسطه کمبود خدمات عمومی به تعویق می‌افتد و نواحی فاقد تسهیلات عمومی در موقعیت رقابتی ضعیفی قرار می‌گیرند (خانی فصیله، ۱۳۷۶). به این ترتیب طرحهای بهسازی روستایی یکی از ضرورتهای بنیادی توسعه روستایی

1. central place theory

2. Von Thünen

3. Christaller

4. Losch

5. Galpin

6. Fisher

7. Roston

مطرح شناخته شد و به عنوان زمینه‌ساز شرایط توسعه اقتصادی - اجتماعی و استقرار جمعیت در مناطق روستایی از اولویت ویژه‌ای برخوردار گردید.

این گونه زمینه‌های تئوریک، دیدگاهها و برنامه‌های توسعه روستایی را در کشورهای مختلف بویژه در کشورهای جهان سوم، تحت تأثیر قرار داد و در ایران نیز مجلس شورای اسلامی در دی ماه ۱۳۶۲ دولت را موظف کرد به منظور بهبود وضع فیزیکی روستاها لایحه‌ای را تقدیم مجلس کند. در همین راستا تغییرات کالبدی در مناطق روستایی تحت عنوان عملیات بهسازی و توسعه فیزیکی روستاها به عهده جهادسازندگی گذاشته شد (آسایش، ۱۳۷۶) و همزمان با آن، طرحی تحت عنوان توانبخشی روستاها به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی در شهرکرد اجرا شد. این حرکت بازتاب خوبی در تغییرات فیزیکی بافت روستاها به دنبال داشت و جهادسازندگی نیز در سال ۱۳۶۴ طرح مشابهی را در همدان به اجرا گذاشت. پس از آن، اجرای طرحهای بهسازی و کالبدی روستاها در دستور کار جهادسازندگی و بنیاد مسکن قرار گرفت و متعاقب آن در دهه ۱۳۷۰، تعداد ۷ روستا در شهرستان گرگان تحت پوشش این طرح قرار گرفت.^۱

اما با وجود فعالیتهای گسترده‌ای که در زمینه اجرای این گونه طرحهای فیزیکی و کالبدی در مناطق روستایی انجام می‌گیرد این طرحها هنوز با مشکلات بسیاری در اجرا مواجهند. از این رو، سوالات اساسی موجود در این زمینه عبارت است از:

۱. عمده‌ترین مشکلات و موانع موجود بر سر راه اجرای کامل طرحهای بهسازی و کالبدی روستایی کدام است؟

۲. روستاییان تا چه حد از هدفهای طرحهای بهسازی روستایی آگاهی دارند؟

۳. مشارکت نکردن مردم تا چه اندازه بر اجرای بهینه طرحها مؤثر بوده است؟

۴. رضایت مردم از طرحها تا چه حد در تسهیل اجرای آنها مؤثر است؟

۵. سهم هریک از مشکلات در اجرای طرحهای بهسازی چقدر است؟

۱. فهرست این روستاها و پروژه‌های انجام گرفته در آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

هدف اصلی این مقاله، بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان است. در قالب این هدف کلی، هدفهای اختصاصی زیر نیز مورد توجه این پژوهش قرار دارد:

۱. تعیین ارتباط بین آگاهی روستاییان از هدفهای طرح‌های بهسازی، مشارکت مردم و

رضایت آنها از طرحها با میزان مشکلات اجرایی این گونه طرحها

۲. تعیین سهم هر یک از مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی روستایی

مواد و روشها

این مطالعه در دو سطح کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی انجام گرفته است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای بررسی مبانی و زمینه‌های نظری طرح‌های بهسازی انجام پذیرفته و در بخش میدانی نیز با جمع آوری داده‌های لازم، مسائل و مشکلات اجرایی بررسی شده است. بخش میدانی این مطالعه در دو مرحله انجام گرفته است؛ در مرحله اول ابتدا از طریق مصاحبه عمیق با برخی مسئولان، کارشناسان اجرایی، اعضای کمیته فنی و شورای تصویب استان و نیز مصاحبه با رؤسای ادارات دولتی در روستا، معلمان و برخی از خبرگان محلی، اطلاعات اولیه در خصوص عمده‌ترین موانع موجود در اجرای طرح‌های بهسازی جمع آوری شد و در تدوین پرسشنامه نهایی بررسی موانع اجرایی طرح‌های بهسازی مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله دوم با تدوین دو نوع پرسشنامه (شامل فرم شناسنامه روستا و پرسشنامه ویژه سرپرستان خانوارهای روستایی) اطلاعات مورد نیاز از طریق ۲۳۰ نفر از سرپرستان خانوارهای روستایی جمع آوری و تجزیه و تحلیل شد. پایایی پرسشنامه از طریق پیش‌آزمون و محاسبه آلفای کرانباخ انجام گرفت و مشخص گردید که مقدار به دست آمده برابر ۰/۷۸/ و از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه سرپرستان خانوارهای روستایی هفت روستای شهرستان گرگان را در برمی‌گیرد که تا سال ۱۳۸۰ طرح بهسازی در آنها اجرا شده است (جدول ۱). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید و نمونه‌های مورد مطالعه نیز به صورت مطبق

متناسب و به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق تحلیل همبستگی، آزمون کای دو و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحت ویندوز انجام گرفت.

نتایج و بحث

همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، طرح بهسازی فیزیکی و کالبدی در ۷ روستا از روستاهای شهرستان گرگان به اجرا در آمده است. براساس اطلاعات میدانی به دست آمده از طریق پرسشنامه آبادی، خدمات و تسهیلات ایجاد شده در قالب طرحهای بهسازی و کالبدی در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌طور که از این جدول پیداست، با اجرای طرحهای بهسازی، ۱۴ خدمت جدید به خدمات قبلی روستای توده‌ملک، ۸ خدمت جدید به روستای سرخنکلاته، ۹ خدمت جدید به روستای مرزنکلاته، ۸ خدمت جدید به روستای محمدآباد، ۱۰ خدمت جدید به روستای عطاآباد، ۱۵ خدمت جدید به روستای انبارالوم و ۸ خدمت جدید به روستای یلمه سالیان اضافه شده است. با افزایش این خدمات، روستاهای پیشگفته نه تنها می‌توانند تسهیلات لازم را در اختیار ساکنان خود قرار دهند بلکه قادرند این‌گونه خدمات را به روستاهای حوزه نفوذ خود نیز که فاقد خدمات فوق هستند ارائه نمایند.

با اینکه پروژه‌های زیادی در قالب طرح بهسازی در روستاهای فوق به اجرا درآمده، اما اجرای آنها با مشکلات و موانع عمده‌ای روبه‌رو بوده است که در این بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. متغیرهای شناخت و آگاهی روستاییان از طرحهای بهسازی، مشارکت مردم در اجرای طرحها و میزان تطابق طرحها با نیازهای روستاییان، میزان رضایت آنها از طرحهای اجرا شده و نوع و میزان مشکلات اجرایی، از جمله متغیرهای اساسی در این مطالعه بوده است. از آنجاکه متغیرهای مورد نظر دارای پیچیدگی بسیار بودند برای اندازه‌گیری هریک از آنها مقیاسی مطابق با طیف لیکرت تهیه شد تا امکان سنجش دقیقتر آنها فراهم آید. برای بررسی ارتباط متغیرهای مورد مطالعه و متغیر وابسته مشکلات اجرایی از ضریب همبستگی اسپرمن (جدول ۲) و آزمون کای دو (جدولهای ۳ تا ۵) استفاده شده است.

جدول ۲. رابطه بین میزان آگاهی، رضایت و مشارکت مردم در اجرای طرح با

مشکلات اجرایی آنها

متغیرهای مستقل	نوع ضریب همبستگی	میزان همبستگی (r)	سطح معنیداری (sig)
میزان آگاهی مردم از اجرای طرحها	اسپرمن	** ۰/۴۷۰ -	۰/۰۰۰
میزان رضایت مردم از اجرای طرحها	اسپرمن	** ۰/۳۵۲ -	۰/۰۰۵
میزان مشارکت مردم در اجرای طرحها	اسپرمن	** ۰/۳۹۹ -	۰/۰۰۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق **: معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد

نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که ارتباط منفی معنیداری بین میزان آگاهی، رضایت و مشارکت مردم در اجرای بهسازی روستایی با موانع و مشکلات اجرایی این طرحها وجود دارد. این ارتباط از طریق آزمون کای دو نیز تأیید شده که نتایج آن به تفکیک در جدولهای ۳ تا ۵ آمده است.

جدول ۳. رابطه بین میزان آگاهی روستاییان از طرحها با میزان مشکلات اجرایی آنها

جمع	زیاد	متوسط	کم	مشکلات اجرایی	
				میزان آگاهی کم	میزان آگاهی متوسط
۹۷	۴۴	۴۳	۱۰	مشاهده شده	کم
	۳۱/۶	۵۴/۸	۱۰/۵	مورد انتظار	
۱۰۴	۲۹	۵۴/۸	۱۱	مشاهده شده	متوسط
	۳۳/۹	۶۴	۱۱/۳	مورد انتظار	
۲۹	۲	۲۳	۴	مشاهده شده	زیاد
	۹/۵	۱۶/۴	۳/۲	مورد انتظار	
۲۳۰	۷۵	۱۳۰	۲۵		جمع

d.f = ۴

Chi- square = ۱۷/۳۷۱

sig = ۰/۰۰۲ **

مأخذ: یافته‌های تحقیق

** معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد

جدول ۴. رابطه بین میزان رضایت روستاییان از طرحها با میزان مشکلات اجرایی آنها

جمع	زیاد	متوسط	کم	مشکلات اجرایی	
				میزان رضایت	
۷۱	۲۶	۳۲	۳	مشاهده شده	کم
	۳۲/۲	۴۰/۱	۷/۷۰	مورد انتظار	
۱۳۰	۳۳	۸۱	۱۶	مشاهده شده	متوسط
	۴۲/۴	۷۳/۵	۱۴/۱	مورد انتظار	
۲۹	۶	۱۷	۶	مشاهده شده	زیاد
	۹/۵	۱۶/۴	۳/۲	مورد انتظار	
۲۳۰	۷۵	۱۳۰	۲۵		جمع

d.f = ۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

Chi- square = ۱۸/۶۱۷

***: معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد

sig = ۰/۰۰۱***

جدول ۵. رابطه بین میزان مشارکت روستاییان با میزان مشکلات اجرایی آنها

جمع	زیاد	متوسط	کم	مشکلات اجرایی	
				میزان رضایت	
۸۲	۳۱	۴۴	۷	مشاهده شده	کم
	۲۶/۷	۴۶/۳	۸/۹	مورد انتظار	
۱۰۳	۳۷	۵۵	۱۱	مشاهده شده	متوسط
	۳۳/۶	۵۸/۲	۱۱/۲	مورد انتظار	
۴۵	۷	۳۱	۷	مشاهده شده	زیاد
	۱۴/۷	۲۵/۴	۴/۹	مورد انتظار	
۲۳۰	۷۵	۱۳۰	۲۵		جمع

d.f = ۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

Chi- square = ۷/۸۷۷

***: معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد

sig = ۰/۰۲۰***

چنانکه از این جدوها پیداست، بین آگاهی روستاییان از هدفها و چگونگی اجرای طرحهای بهسازی و همچنین میزان رضایت روستاییان با میزان مشکلات اجرایی در سطح ۹۹ درصد و بین میزان مشارکت در اجرای این گونه طرحها با میزان مشکلات اجرایی در سطح ۹۵

درصد رابطه آماری معنی‌دار وجود دارد، به طوری که با افزایش این عوامل میزان مشکلات اجرایی طرح‌های بهسازی در مناطق روستایی کاهش می‌یابد. همه این عوامل حاکی از این واقعیت است که برای کاهش مسائل و مشکلات اجرایی طرح‌های توسعه روستایی و موفقیت آنها باید در خصوص آگاه‌سازی روستاییان نسبت به هدف‌های طرح‌ها و جلب رضایت و مشارکت آنها در مراحل تصمیم‌گیری، برنامه ریزی و اجرای طرح‌های بهسازی اقدامات جدی انجام گیرد. هرگونه تعلل در این خصوص ممکن است نه تنها اجرای این طرح‌ها را با دشواری‌های فراوان روبه‌رو سازد، بلکه امکان دارد نارضایتی روستاییان را نیز به دنبال داشته باشد و حفاظت و نگهداری پس از اجرا را نیز با مشکل مواجه سازد.

در این مطالعه برای تعیین نوع و سهم هریک از مشکلات، از تحلیل رگرسیون چندگانه^۱ به روش گام به گام^۲ استفاده شده است. این روش هشت متغیر را به عنوان مشکلات اساسی در اجرای طرح‌های بهسازی وارد معادله رگرسیون کرده و سهم هریک را در ایجاد مشکلات تعیین نموده است. این هشت متغیر در مجموع ۷۶٪ از کل مشکلات اجرایی را تبیین می‌کند (جدول ۶).

جدول ۶. سهم هریک از مشکلات در اجرای طرح‌های بهسازی

رتبه	متغیر	R	R ²	F	Sig.
اول	X _{۱۰} ، سهم‌فام ماندن طرح‌ها	۰/۲۸۶۸۵	۰/۱۴۹۹۵	۴۰/۱۲۵۶۸	**
دوم	X _{۱۱} ، نبود مشارکت و همکاری مردم	۰/۵۲۰۲۶	۰/۲۷۰۶۷	۴۲/۱۲۰۷۶	**
سوم	X _{۱۲} ، نبود متولی برای پروژه‌ها	۰/۶۲۰۵۲	۰/۳۸۵۰۵	۴۷/۱۶۹۳۳	**
چهارم	X _{۱۳} ، تجربه منازل و تعریض کوچه‌ها	۰/۶۸۴۰۳	۰/۴۶۷۹۰	۴۹/۲۴۲۹۶	**
پنجم	X _{۱۴} ، مشکل مدیریت در اجرا	۰/۷۶۶۱۳	۰/۵۸۶۹۶	۶۳/۴۴۴۲۷	**
ششم	X _{۱۵} ، بی‌وجهی به نیازهای روستاییان	۰/۸۰۲۳۲	۰/۶۴۶۹۴	۶۸/۱۰۲۰۶	**
هفتم	X _{۱۶} ، طولانی شدن زمان اجرای طرح	۰/۸۴۲۵۸	۰/۷۰۹۹۴	۷۷/۴۲۴۴۰	**
هشتم	X _{۱۷} ، کم‌دست‌ان و اجتهت پرداخت به واحدهای خسارت‌دید	۰/۸۷۳۸۰	۰/۷۴۳۵۳	۸۹/۱۹۷۷۰	**

ناتخذ: یافته‌های تحقیق ** معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد

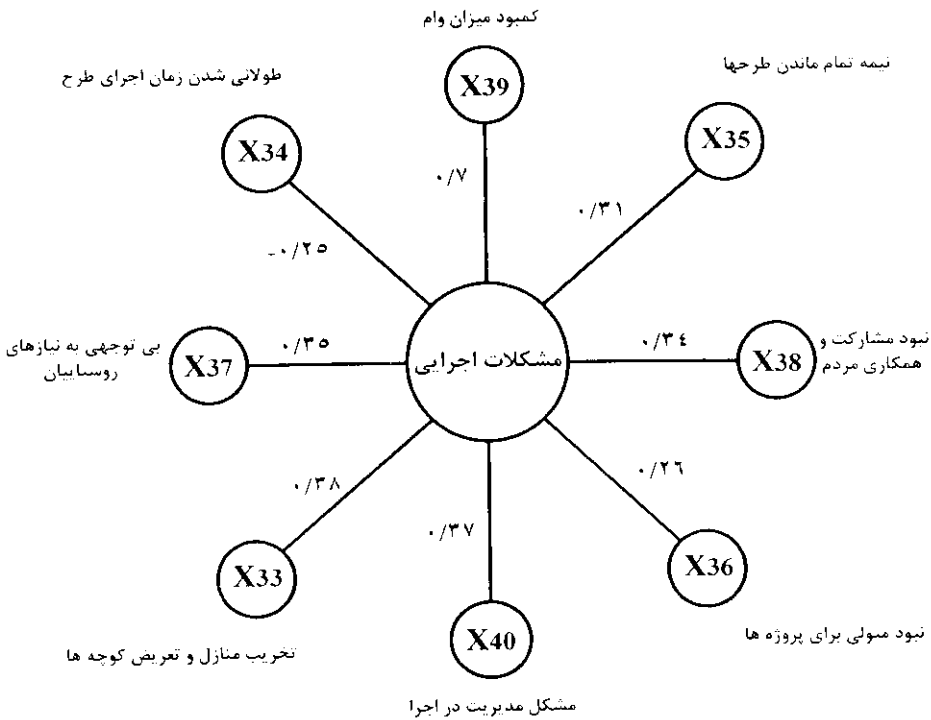
1. multiple regression analysis

2. stepwise method

همان طور که از جدول ۶ نیز برمی آید، متغیر "نیمه تمام ماندن طرحها" به عنوان اولین و مهمترین مشکل طرحهای بهسازی وارد معادله شده است، به طوری که ضریب تعیین (R^2) آن حدود ۱۵٪ است؛ به عبارت دیگر نزدیک ۱۵ درصد از مشکلات طرحهای بهسازی، مربوط به نیمه تمام ماندن این گونه طرحهاست. در گام دوم "نبود مشارکت و همکاری مردم" به عنوان دومین مشکل طرحهای بهسازی وارد معادله شده و ضریب تعیین این دو مشکل در مجموع ۲۷٪ است. "نبود متولی برای پروژهها" نیز به عنوان سومین مشکل وارد تحلیل رگرسیون شده است. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده، سه مشکل پیشگفته مجموعاً ۳۸ درصد از مشکلات طرحهای بهسازی را تشکیل داده اند. در گام چهارم "مشکل تخریب خانه و تعریض کوچهها" نیز به عنوان چهارمین مشکل اجرایی طرحهای بهسازی مشخص شد و ضریب تعیین را حدود ۴۷٪ افزایش داد. سرانجام با وارد شدن متغیرهای "مشکل مدیریت در اجرا"، "بی توجهی به نیاز روستاییان"، "طولانی شدن زمان اجرای طرح" و "کمبود میزان وام جهت پرداخت به واحدهای خسارت دیده" میزان ضریب تعیین به بیش از ۷۶٪ افزایش یافت. براساس نقش و سهم هریک از مشکلات فوق در اجرای طرحهای بهسازی روستایی می توان معادله رگرسیون را به شرح زیر ارائه داد:

$$Y = 3/39 + 1/07(X_{35}) + 1/14(X_{38}) + 1/16(X_{36}) + 1/23(X_{33}) + 1/24(X_{30}) + 0/85(X_{37}) - 0/48(X_{32}) + 0/85(X_{39})$$

معادله رگرسیون بالا نشان می دهد که چگونه می توان از طریق ضرایب متغیرهای مستقل به پیشگویی متغیر وابسته اقدام کرد. اما نکته مسلم این است که معادله پیشگفته چیزی در مورد اهمیت نسبی متغیرهای مستقل بیان نمی کند. برای تعیین اهمیت نسبی هریک از متغیرهای مستقل در ایجاد مشکلات و موانع اجرایی طرحها می توان از مقادیر استاندارد شده β استفاده کرد (شکل ۱). این آماره نشان می دهد که به عنوان مثال، در ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر X_{40} (مشکل مدیریت در اجرا) به اندازه ۳۷٪ در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد می شود. همچنین یک واحد تغییر در انحراف معیار X_{34} (طولانی شدن زمان اجرای طرح) ۲۵٪ - واحد تغییر در متغیر وابسته ایجاد می کند.



شکل ۱. اهمیت نسبی متغیرها براساس میزان مقادیر استاندارد شده Beta

نتیجه گیری

یافته‌های تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیرهای آگاهی، رضایت و مشارکت روستاییان با میزان مشکلات اجرایی طرحهای بهسازی رابطه‌ای منفی و معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد وجود دارد، به طوری که هرچه میزان آگاهی، رضایت و مشارکت مردم در این گونه طرحها افزایش یابد با مشکلات اجرایی کمتری مواجه می‌شوند. این ارتباط از طریق آزمون کای دو نیز به اثبات رسید. رگرسیون چندگانه گام به گام نیز نقش هر یک از عوامل و متغیرها را در مجموعه مشکلات اجرایی طرحهای بهسازی نشان داد، به طوری که ۱۵٪ مشکلات به

نیمه تمام ماندن طرحها، ۱۲/۱٪ به نبود مشارکت و همکاری مردم، ۱۱٪ به نبود مسئولی برای پروژهها، ۱۰/۹٪ به مشکلات مدیریت در اجرا، ۸/۲٪ به تخریب خانهها و تعریض کوچهها، ۷٪ به بی توجهی به نیازهای روستاییان، ۶/۳٪ به طولانی شدن زمان اجرای طرحها و ۵/۴٪ به کمبود میزان وام پرداختی به واحدهای خسارت دیده مربوط می شود.

پیشنهادهای

اصولاً مشکلات اجرایی طرحهای بهسازی و کالبدی یا در محیط خارج از روستا ریشه دارد یا در درون روستا. مشکلات خارج از روستا عمدتاً به مشکلات مالی، اداری، حقوقی و تنگناهای مدیریتی مربوط می شود. اما مشکلات اساسی تر نظیر تخریب منازل و تعریض کوچهها، طولانی شدن زمان اجرای طرح و حفظ و نگهداری و غیره عمدتاً در درون روستاهاست. این مشکلات نه تنها باعث عدم مشارکت و همکاری مردم با این گونه طرحها می شود، بلکه در مواردی موجب کارشکنیها و مقاومتهای مردمی در پذیرش این گونه طرحها می گردد. بنابراین با توجه به یافتههای این تحقیق پیشنهاد می شود:

۱. قبل از اجرا، اطلاعات و آگاهیهای مردم نسبت به طرحهای بهسازی روستایی افزایش یابد و مردم نسبت به هدفهای این گونه طرحها توجیه شوند و حتی نظرات و پیشنهادهای آنها، بویژه خبرگان محلی، مورد نظر دستگاه اجرایی قرار گیرد.

۲. نیازها، خواستهها و اولویتهای مردم در اجرای طرح در نظر گرفته شود.

۳. خسارتهای وارد شده بر مردم، اعم از کسانی که واحد مسکونی شان تخریب می گردد و کسانی که زمین ملکی شان تغییر کاربری می یابد و جهت تعریض کوچهها و غیره مورد استفاده قرار می گیرد، در اسرع وقت جبران شود.

۴. جوانان روستایی نسبت به هدفهای بهسازی روستا توجیه شوند زیرا توجه به این قشر در روستا، بویژه از طریق حمایتهای خدمات بهسازی، نظیر واگذاری اراضی صنعتی و تجاری، طرحهای قرض الحسنه برای ساخت و ساز، به کارگیری آنها در اجرا، نگهداری و

حفاظت از بهسازی و غیره می‌تواند آینده بهسازی و توفیق آن را در راستای توسعه روستایی تضمین کند.

۵. فعالیتهای بهسازی تحت نظر یک واحد یا دستگاه اجرایی به صورت یک کاسه انجام گیرد و در این زمینه سیاستهای مدون، واحد و قانونمند تدوین شود.

۶. سازمانی رسمی یا مشارکتی در روستا جهت نگهداری، احیا و ادامه روند اجرایی این گونه طرحها ایجاد شود.

۷. موانع قانونی در مورد واگذاری زمین و صدور پروانه ساختمان و نیز تخریبها و غیره رفع شود و مقررات و آیین نامه‌های لازم تهیه گردد و در مجامع قانونگذاری رسمی تصویب و به اجرا درآید.

۸. سیستم نظارتی و ارزیابی پروژه‌های بهسازی و مصوبات مربوط به آن در تمامی مراحل، جهت تحقق هر چه بیشتر هدفهای توسعه روستایی از سوی یک مرجع رسمی با مشارکت مردم ایجاد و به اجرا گذاشته شود.

منابع

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۷۱)، تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونتگاهها، سازمان برنامه و بودجه.
۲. آسایش، حسین (۱۳۷۶)، کارگاه برنامه ریزی روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. خانی فصیله (۱۳۷۶)، بهسازی روستایی و نقش آن در روند توسعه روستاها در ایران: مطالعه موردی منظومه روستایی قرقان ساوه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۴. رهنا، محمودرحیم (۱۳۷۲)، سلسله مراتب مرکزیت و توسعه روستایی، مجله جهاد، شماره ۱۶۷.
۵. شارع پور، محمود (۱۳۷۰)، بررسی بازتاب اقتصادی - اجتماعی اجرای طرحهای بهسازی در مناطق روستایی آذربایجان شرقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۶. صابری فر، رستم (۱۳۷۸)، توسعه روستایی با نگرشی بر نظریه‌های جغرافیایی - مکانی، مجله جهاد، ۲۲۰-۲۲۱.

۷. کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای - تئوریا و تکنیکها، انتشارات خوشین، تهران.

۸. محمدرضایی نوده، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، بررسی مقایسه‌ای اثرات طرحهای بهسازی روستایی در روستاهای شهرستان کردکوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

۹. مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی روستایی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، جهادسازندگی.

۱۰ - وزارت جهادسازندگی (۱۳۷۲)، جایگاه طرحهای بهسازی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی، وزارت جهادسازندگی.

11. Clocke, P. (1988). An introduction to rural settlement planning, Macmillan Co. Inc., New York.

12. Cook, P.H. (1983), Theories, planning and special development, Edward Arnold, Ltd, London.

13. Rondinel, D.A. (1985), Applied methods of regional analysis, Boulder Co, London.